

مقدمه

به یقین تعلیم و تربیت با ارزشترین و مهمترین وظیفه آدمی به شمار می آید والاترین و ارجمندترین انسانها که همان پیامبران و جانشینان آنان هستند در این طریق مبعوث گشته اند. اما می بینیم که هم اکنون با پیشرفت علم و صنعت رشد حیرت انگیزی در علوم انسانی از جمله علوم تربیتی رخ داده است. شیوه های تربیتی نیز توسعه و تکامل یافته است. اما در این زمان با شیوه های هنری مثل فیلم، تئاتر، نقاشی، تصویر به امر تربیت پرداخته می شود. خانواده ها، جوانها و کودکان ما را دچار مشکل جدید فرهنگی کرده است. پس باید چاره اندیشی کرد.

زمینه های تأثیرگذار در تربیت

هر پدر و مادی علاقه مند به پرورش و تربیت صحیح فرزندشان هستند. حال اگر پدر و مادری بخواهند کودکی پرورش دهند که آداب اسلامی را درست رعایت کند باید مسائلی را بدانند. اول اینکه فطرت هر کودک خداجو و خدایاب است. از نظر علم، قرآن و روایات اهل بیت انسان ویژگی دارد به نام مذهب یعنی انسان از همان آغاز خدایاب و اسلام جو است.

در جای دیگر در قرآن خداوند می فرماید:

﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَاُ اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيْتُهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾^۱

ترجمه: چون به کشتی نشینند در آنحال تنها خدا را با اخلاص کامل می خوانند چون از خطر دریا به ساحل نجات رسیدند باز به خدای یکتا مشرک می شوند.

^۱ سوره عنکبوت، آیه ۶۵.

وقتی در دریا دستشان از همه جا قطع می شود صدای خدا خدایشان بلند می شود خدا را قبول ندارند ، بت می پرستند . کمونیست و بی دین هستند اما در وقتی که گرفتار موجهای دریا می شوند یا در هوا هواپیمایشان خراب می شود مناجات و خدا ، خدا می کنند.

این همان غریزه ای است که در کودک بیدار است و وقتی به دنیا می آید می گویند در گوش راستش اذان و در گوش چپ اش اقامه بگویند که این فطرت بیدار را قوی تر و شاداب تر کند.^۱

پس حال متوجه شدیم این فطرت در نهاد و سرشت هر آدمی وجود دارد . اما این پدر و مادر هستند که این کودک را به آئین یهودیت و یا نصرانیت بار می آورند . یعنی اساس اولیه پذیرش دین در کودک وجود دارد. پدران و مادران که مرییان اولیه بشر هستند از این سرمایه فطری استفاده کرده و فرزند خود را به آئینی که خود مایل هستند سوق می دهند.

پس اگر ما بخواهیم فرزندانی پاک و معصوم تربیت کنیم باید از همان ابتدا که کودک ضمیری پاک دارد بی توجه نبوده و سهل انگاری نکنیم.

بعد باید بدانند که وراثت چه تأثیری در روح و روان کودکشان می تواند داشته باشد.

وراثت یعنی انتقال یک سری از خصوصیات والدین یا خویشان آنها به فرزندان و این امر است که سبب شباهت فرزندان به والدین یا خویشان می شود.

پس قانون وراثت یک اصل ثابت و عمومی است و کودک خصایص جسمی و روحی پدر و مادر را به ارث می برد .

کودک از راه شیر با مادر رابطه خونی و وراثتی برقرار می کند طرز فکر مادر غم ها و شادی مادر استرس ها و معاشرتها و جمیع حرکات او در کودک تأثیر دارد برای همین است که ائمه علیهم السلام در روایات متعددی تأکید بر دقت داشتن در انتخاب همسر داشته اند.^۲

حال این سؤال در ذهن انسان ایجاد می شود که تربیت از کی شروع می شود.

نظر اسلام در این مورد این است که تربیت در واقع ۲۰ سال قبل از تولد کودک است در واقع تربیت پدر و مادر.

^۱ مظاهری ، حسین ، تربیت فرزند از نظر اسلام ، ص ۸۰.

^۲ اسماعیلی یزدی ، عباس ، فرهنگ تربیت ، ص ۶۷.

اسلام هم به زن و هم به مرد توصیه کرده تا در انتخاب همسر دقت و توجه ویژه ای داشته باشند.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ.^۱

سجایای اخلاقی دلیلی بر پاکی وراثت و فضیلت ریشه خانوادگی است.

کودک اگرچه عضو رسمی بدن مادر نیست اما در هر حال از خون و غذایی که مادر می خورد پرورش پیدا می کند.

مادر هم خود با شرایط روحی که در دوران بارداری دارد روی جنین تأثیر مثبت یا منفی می گذارد.

نقش مادر در سعادت و شقاوت فرزند خصوصاً در دوران بارداری بسیار حساس است زیرا وجود نوزاد در شکم مادر مثل عضوی از بدن خود اوست این مهمان درچنین پناه گاهی به انتظار روز موعود است تا پا به عرصه گیتی گذارد.

پس این مادر با این مهمان در رحم هر گونه حالاتی داشته باشد در مهمان اثر می گذارد، ترس، خشم، اضطراب اعصاب را تحریک کرد و باعث آزاد شدن مواد شیمیایی مختلف مثل آدرنالین و استیل کولین در بدن مادر می شود

اما گروهی از دانشمندان جنین شناسی و روانشناسی می گویند حالات روانی مادر در دوران بارداری تأثیر مستقیمی در اعصاب و روان کودک ندارد.

حالات مادر اگرچه مستقیماً به اعصاب و مغز کودک منتقل نمی شود اما چون این حالات روی دستگاه گوارش مادر تأثیر می گذارد و غذای جنین هم از همین دستگاه گوارش است و گفتیم که چگونگی تغذیه هم در حالات روانی اشخاص تأثیر گذار است و در شخصیت و آینده او اثر می گذارد.^۲

^۱ غرر الحکم، سخن ۵۳۵۸.

^۲ امینی، ابراهیم، آئین تربیت، ص ۴۸ و ۴۹.

اکثر زنان و مردانی که در تاریخ از پیشرفتهای خوبی برخوردار بوده اند شایستگی خدمات بزرگی را داشته اند و توانسته اند نام خویش را بر صفحه روزگار باقی بگذارند از عوامل موفقیت خود را اصلا ب پدران و ارحام مادران می دانند.

علاوه بر حالات مادر، تغذیه مادر هم تأثیر گذار است.

حال اگر مادری در دوران بارداری تغذیه نادرست داشته یا از غذاهای فاسد استفاده کرده یا از دخانیات استفاده کرده و یا دست به میگزساری بزند ممکن است کودک در شکم دچار مسمومیت گشته و یا این که ناقص الخلقه و یا معیوب گردد و یا این که رشد مغزی و عصبی درستی نداشته باشد.

نواقصی که ممکن است در ساختمان جنین به وجود آید منحصر به نواقص و ضایعات جسمانی نیست بسیار ممکن است اتفاق بیفتد کودک در رحم دچار عوارض روانی و انحرافات معنوی شود که علی الظاهر ناپیدا است و کودک بعد از تولد با همین زمینه ها رشد کرده و بزرگ می شود و بعد آهسته آهسته این زمینه ها بروز پیدا می کند.

اگر مادر از راه خوردن غذای حرام روح و روان کودک را آلوده سازد این آلودگی در جسم و جان او پی ریزی می شود و ممکن است همین مسیر سعادت طفل را عوض کند.

والدین و تربیت

اگر پدر و مادر افرادی آگاه باشند و تربیت دینی و اعتقادی فرزندشان برایشان اهمیت داشته باشد می توانند در منزل محیطی بوجود آورند که عقاید کودک در آن محیط به نحو احسن ظهور و بروز پیدا کند.

اگر بخواهید فرزند اهل مسجد و نماز اول وقت، مراسم دینی شود باید از کودکی او را آشنا ساخت تا عادت کند.

اگر کودک در نماز سستی می کند ابتدا با تشویق سپس با پند و اندرز سپس با عقاب و خطاب و حتی با کتک زدن او را به نماز وادار کنید

پدر و مادر نباید به هیچ عنوان اهمال و سهل انگاری کنند و نباید این مسأله تا زمان بلوغ به تأخیر بیندازد به بهانه این که هنوز فرزندم کوچک است یا هنوز به تکلیف نرسیده در سن بلوغ بچه برایش این اعمال دشوار خواهد شد و زیر بار نمی رود و اگر به اجبار پدر و مادر این عمل را انجام

دهد چندان تقیدی به آن ندارد و با اندک بهانه ای ممکن است آن را ترک کند زیرا عملی که از کودکی برایش عادت نشده است عادت کردن به آن در زمان بلوغ کار سخت و دشواری است. گاه سرودها و اشعار دینی را که برای کودکان لذت بخش است به او آموزش دهید. به تدریج با او در مورد نبوت و امامت صحبت کنید ابتدا در مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم با او صحبت کنید سپس کمی در مورد صفات و خصوصیات و شرایط آن حضرت صحبت کنید. اما در مورد معاد تا زمانی که کودک خود متوجه مرگ نشده صحبتی نکنید شاید او فکر می کند خودش و بابا و ماما همیشه زنده هستند.

محیط و تربیت

با همه تلاشهایی که پدر و مادر در تربیت کودکشان می کنند باید بدانند که محیط اطرافشان روی کودکشان تأثیر زیادی می گذارد مثل دوستانش ، تلویزیون ، معلم و مربی مدرسه مثلاً دوستان :

بعد از خانواده ، همسالان مؤثرترین عاملی هستند که در رشد عاطفی ، اجتماعی و شخصیتی فرد به سوی مثبت یا منفی تأثیر می گذارند ویژگی های مشترک بسیاری که در بین همسالان یا همان دوستان وجود دارد که سبب می شود یکدیگر را الگو قرار دهند. پس دوست خوب و رفیق مهربان از نعمتهای الهی است زیرا هم تأثیر مثبت می گذارد و محیط و اطرافیان خویش را ناخواسته تحت تأثیر فکر و اندیشه و روحیات خود می کند یا تأثیر می پذیرد و از رفتار و افکار دیگران رنگ می گیرد. امام علی علیه السلام می فرمایند :

أَكْثَرُ الصَّالِحِ وَالصَّوَابِ فِي صُحْبَتِهِ أُولَى النَّهْيِ وَالْأَلْبَابِ.^۱

بیشترین صلاح و دوستی در همنشینی با خردمندان و صاحب‌دلان است. علاوه بر دوستان رسانه ها هم در کودکان تأثیر گذار هستند.

^۱ انصاری ، محمد علی ، غرر الحکم ، سخن ۹۷۶۸ .

رادیو، تلویزیون، سینما، از اختراعات بسیار سودمند است از این وسائل می توان برای تعلیم و تربیت افراد و آموزش های دینی، اخلاقی و راهنمایی های کشاورزی، صنعتی، تدریس رشته های مختلف و بالا بردن سطح اطلاعات اجتماعی و سیاسی مردم استفاده کرد. این وسائل نقش زیادی در پرورش استعدادها و بالا بردن سطح اطلاعات و آگاهی افراد دارند.

تحقیقات نشان داده که امروزه در جوامع مختلف بسیاری از مفاسد اجتماعی - جرائم جنایت های کودکان، انحرافات دینی همه ناشی از تماشای تلویزیون بوده است. این وسیله با تأثیرگذاری عمیق اش در فکر و رفتار و اخلاق فرزندان ما، گاه او را به گونه ای مخالف با افکار و عقاید ما پرورش می دهد.

پدران و مادران آگاه باید توجه داشته باشند که نگاه کردن صرف به تلویزیون برای کودکانشان مخرب است آنها باید هنر استفاده صحیح از تلویزیون را به بچه ها آموزش دهند هدف از نگاه کردن به تلویزیون را به آنها بگویند.

حال که از اثرگذاری عمیق تلویزیون در روح و روان کودکان اطلاع پیدا کردیم باید بدانیم که دشمنان انقلاب هم از این اثر عمیق به نفع خود استفاده کرده و اهداف خود را به کودکان ما انتقال می دهند.

در چنین شرایطی وظیفه سنگینی بر عهده خانواده ها است که هر روز با تدابیر جدیدی جلوی شیوه ها و تهاجمات دشمنان را بگیرند.

معلمین در مدرسه نیز مسئولیتی سنگین و رسالتی عظیم دارند زیرا باید استعدادهای دانش آموزان را در جهتی هم سو با پیامبران الهی و ندای فطرت بارور کنند و به نحو احسن به تعلیم و تربیت نوجوانان و جوانان آنچنان که شایسته است بپردازند. (تعلیم و تربیت در امور دینی).

از اصول بسیار مهم در آموزش دینی و اخلاقی برخورد محبت آمیز با دانش آموزان است. مبدل کردن برخوردهای رسمی به برخوردهای محبت آمیز می تواند تأثیر مثبتی در فراگیری و جذب دانش آموزان به دین کند. آیه ۱۵۹ سوره آل عمران هم اشاره به همین خصوصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دارد (خوش خلقی پیامبر باعث جذب مردم و مسلمان شدن آنها می شد). فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ.

رحمت خدا تو را با خلق مهربان و خوشخویی گردانید اگر تندخوی و سنگدل بودی مردم از گرد تو پراکنده می شدند.

تشویق یا تنبیه

تنبیه در لغت به معنای آگاهی دادن است اما آنچه مردم از تنبیه می دانند کتک زدن است. تنبیه بیشتر باید حالت روانی داشته باشد تا جانی و بدنی، باید به گونه ای باشد که با گوشه چشم نگاه بد، و به کودک در مقابل کار بدی که مرتکب شده تذکر داده شود. در فرهنگ کهن ما تنبیه را عامل تربیت می دانستند مخصوصاً در خانه های پدر سالاری، حکومت های شاهنشاهی و این را عامل تربیت می دانستند.

در مورد اعمال عبادی نیز نباید از تنبیه مخصوصاً بدنی استفاده کرد. نکته قابل توجه اینجاست که باید جلوی رفتارهای بد کودکان را گرفت و آنها را به انجام اعمال عبادی ترغیب کرد اما نباید از اهرم زور و فشار استفاده کرد. استفاده از زور و فشار اگرچه ممکن است باعث شود کودک آن عمل را انجام دهد اما شیرینی آن عبادت در کام کودک تلخ می گردد. نمازی که با زور خوانده شود دیگر عشق ندارد فقط تکلیف است و اگر موقعیتی والدین بی توجه باشند دیگر آن نماز را نمی خواند.

اما تشویق: تشویق اثر معجزه آسایی دارد که دگرگونی های زیادی را در رفتار کودک به وجود می آورد.

در سیره ائمه تشویق های بسیار زیاد و جالبی به چشم می خورد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای تشویق حضرت علی علیه السلام علیه السلام عمامه خود را بر سر ایشان گذاشتند. امام حسین علیه السلام به معلم فرزندشان هزار درهم عطا کردند. نتیجه ای که از این بحث می گیریم این است که اگر یک تشویق صحیح از صدها تنبیه بدنی و غیر بدنی در روح و روان کودک تأثیر پذیری عمیق تری دارد.

چرایی ها و تفکر

نوزاد از وقتی که به دنیا می آید از جهان خارج بی اطلاع است همه چیز در نزد او یکسان است او بین شکل ها، رنگ ها، و اشخاص فرقی نمی گذارد، از شکل و صدا متأثر می شود ولی آنها را تشخیص نمی دهد.



از همان موقع است که با حرص و ولع فراوان در صدد کنجکاوی است پیوسته به این طرف و آن طرف نگاه می کند و کسب دانش می کند.

انسان همین که با خود و جهان پیرامونش آشنا شد به تفکر و اندیشه در مورد سؤالات مختلف می پردازد کنجکاوی و حقیقت جویی انسان شیفته و تشنه کشف می شود.

کودک از سنین ۲ یا ۳ سالگی به بالا سؤالهای مختلفی از پدر و مادر می پرسد مثلاً چرا سنگ سفید است . چرا آب شل است ؟ چرا ماهی در آب خفه نمی شود ؟ چرا هر روز نماز می خوانید ؟ چرا خورشید شبها نیست ؟ پدر بزرگ که مُرد چرا خاک اش کردید ؟ کجا رفت ؟ کی بر می گردد و صدها سؤال دیگر.

و این به عهده پدران و مادران است که سؤالات کودکان را درست و صحیح پاسخ دهند نه این که این سؤالات را پرحرفی و فضولی بدانند.

پس اگر پدر و مادری که از ابتدا به رشد و تربیت دینی و معنوی فرزندشان اهتمام داشته اند در اینجا از این فرصتهای ناب که ذهن کودک پاک و خالی از هر اندیشه زائدی است استفاده می کنند و به رشد دینی او کمک می کنند هر سؤال که در مورد مسائل می پرسد با پاسخ صحیح و درست و کوتاه و قابل فهم کودک او را هدایت می نمایند.

علاوه بر آن باید کودک را به فکر وادار کرد .

بزرگترین عاملی که وسیله امتیاز و برتری انسان بر سایر حیوانات گشته همان عقل است. یکی از اهداف و مسئولیتهای پیامبران هم احیاء و پرورش عقل و تفکر و جهل زدائی است. عقل و تفکر زمینه را برای یادگیری فراهم می آورد و انسان از این طریق است که به یادگیری می پردازد زیرا وقتی درباره حل مشکل مشخصی فکر می کند راه حلهای مختلف را مورد ارزیابی قرار می دهد. راه حل اشتباه را رد می کند سپس به انتخاب راه حلی که مناسب و درست است می پردازد.

والدین آگاه هم می توانند برای پرورش حس مذهبی کودکان او را با مسائل ساده به تفکر وادارند تا به هدف دینی خود برسند . راه های مختلفی ممکن است باشد برای به تفکر وادار کردن کودک ، مثلاً : بردن او به طبیعت ، باغ وحش ، کوه ، جنگل و دریا و و با الفاظی کلیدی او را به تفکر در مورد مسائل مختلف واداریم و به او آموزش دهیم مسائلی را که مورد نظر داریم.

روش های غیر مستقیم و آموزش

از جمله تمایلات طبیعی و بسیار مهمی که خداوند در باطن کودک قرار داده است و بهره گیری درست و صحیح از آن می تواند در سازندگی شخصیت و تحکیم روحیه اعتماد به نفس و پرورش حس و روحیه مذهبی نقش ایفا کند علاقه به بازی است. کودک در بازی فکرش به کار می افتد در برخورد با مانع چاره جویی می کند و همین باعث رشد فکر و پرورش او می شود.

پدر و مادر باید چند نکته را در مورد بازی بدانند :

- ۱- بچه ها برای یاد گرفتن بازی نمی کنند ولی از طریق بازی مهارت می آموزند.
 - ۲- بخش زیادی از آموزش می تواند توسط بازی باشد.
 - ۳- بازی مدرسه بزرگی است که کودک را پرورش می دهد.
- یکی دیگر از روشهای تربیتی به شیوه غیر مستقیم روش قصه و داستان است. قصه و داستان از این لحاظ در روح و روان انسانها تأثیر به سزایی دارد.
- البته قصه ها و داستانهایی که خالی از خرافات و دروغ پردازیها باشد خالی از تملق ها و ثناخوانیها و تحریفها باشد.
- نقل داستان وسیله خوبی است برای تحریک اندیشه ، عبرت آموزی ، تسلی خاطر ، برانگیختن حس کنجکاوی ، تحریک فعالیت و ابتکار و نوآموزی است.
- از طریق داستان رمز پیشرفت انسانها را می توان یاد داد. با علت های سقوط اقوام گذشته آشنا شد سرگذشت پیشینیان و تفکر در امور آنان نقش به سزایی در تذکر انسان و بیداری از خواب غفلت ایفا می کند و انسانها را از عواقب ناگوار و پایان شیرین بعضی وقایع آگاه می سازد.
- داستان بیدارکننده عواطف و تقویت کننده تمایلات انسانی است خیالات را کنترل می کند جان و روح را شدیداً تحت تأثیر خود قرار می دهد.
- قرآن کریم نیز داستان های گذشتگان را به زیباترین شکل با طرح مهم ترین مسائلی که با آن مواجه بوده اند همراه با نتیجه گیری و هشدار و پند و اندرز بیان کرده است.
- والدین باید بدانند علاوه بر داستان گویی های صحیح در امر تربیت رفتار و حرکات خودشان نیز برای کودک الگو است.

اگر پدر و مادری خود نماز اول وقت نمی خوانند اگر روزی صد بار هم فرزند را تشویق به نماز اول وقت کنند چه تأثیری دارد وقتی کودک می بیند پدر دروغ به مادر می گوید ، مادر به همسایگان مطلبی را دروغ می گوید حالا شما بارها بارها به او تذکر دهید که دروغ گویی کار خوبی نیست اما او غیر مستقیم از نوع عمل خود پدر و مادر دروغ را آموخته و شیوه دروغ گویی را نیز یاد گرفته است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند :

كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّنَتِكُمْ.^۱

مردم را با غیر زبانتان (با عملتان) به سوی خداوند بخوانید.

علاوه بر این که پدر و مادر باید خود الگوهای مناسبی برای کودک باشند ، در امر تربیت باید تلاش کنند الگوهای مناسبی را هم برای کودک معرفی نمایند.
مثل معرفی کودکی که حافظ قرآن است یا حافظ نهج البلاغه ، یا کودکی که حجاب صحیحی دارد.

مخالفین اسلام و دشمنان ملت و همان هایی که از اثرات این الگوها بر روحیه و فکر جوانان ما مطلع هستند هر روز تلاش می کنند با الگو سازی در نوع پوشش ، آرایش ، گفتار و رفتار و عرضه رسوم و آیین هایی که با آداب و سنن مذهبی ما مخالف است هرچه بیشتر فرزندان ما را از فرهنگ غنی اسلام دور کنند.

فرزندان ما هم باید تلاش کنند و با پاسداری از مذهب و فرهنگ خود مانند دژهای محکم و قلعه های پولادین جلوی تهاجمات بیگانگان را بگیرند و از الگوهای جاودانه ای که آئین زندگی ساز اسلام برای سعادت بشر به پیروان خود معرفی کرده را پیروی نمایند.

نتیجه

نتیجه ای که از این مبحث می گیریم این است که باتوجه به مطالبی که تا به حال بیان کردیم و باتوجه به مشکلات مختلف امروزی از جمله مُد گرایی و تجمل گرایی و اثرات مخرب تلویزیون و اینترنت اگر والدین لحظه ای غفلت کنند و از امر تربیت فرزندشان غافل بمانند انحطاط و گمراهی او حتمی خواهد بود.

^۱ حر عاملی ، محمد بن الحسن ، وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۲۴۶.